

تیمور لنگ

آخرین فاتح بزرگ جهان

تألیف:

هارولد لمب

ترجمہ:

علی جواہر کلام

سرشناسه:	لمب، هرولد، ۱۸۹۲ - ۱۹۶۲ م.
عنوان و نام پدیدآور:	Lamb, Harold تیمور لنگ: آخرین فاتح بزرگ جهان/ تالیف: هارولد لمب؛ ترجمه: علی جواهر کلام.
مشخصات نشر:	تهران: موسسه فرهنگی انتشاراتی پر، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری:	۳۳۶ ص.
شابک:	978-964-8007-86-2
وضعیت فهرست نویسی:	فیبا
یادداشت:	عنوان اصلی: Tamerlane, the earth shaker, 1932 .
یادداشت:	کتابنامه: ص ۳۳۳ - ۳۳۶.
موضوع:	تیمور گورکانی، ۸۰۷-۷۳۶ ق.
موضوع:	مغولان -- تاریخ
موضوع:	ایران -- تاریخ -- تیموریان، ۷۷۱ - ۹۱۱ ق.
شناسه افزوده:	جواهر کلام، علی، ۱۲۷۵ - ۱۳۵۵. مترجم
رده بندی کنگره:	۱۳۹۴ ت ۹ / ۸ / ۱۰۹۷ DSR
رده بندی دیویی:	۹۵۵/۰۶۶۱
شماره کتابشناسی ملی:	۳۹۷۵۰۴۴

انتشارات پر

- نام کتاب: تیمور لنگ (آخرین فاتح بزرگ جهان)
- نویسنده: هارولد لمب
- مترجم: علی جواهر کلام
- صفحه آرای: منیر علیزاده
- نوبت چاپ: اول ۱۳۹۵
- تیراژ: ۵۰۰ نسخه
- قیمت: ۱۷۰۰۰ تومان
- شابک: ۲-۸۶-۸۰۰۷-۹۶۴-۹۷۸-۲ ISBN: 978-964-8007-86-2
- آدرس: خ لبافی نژاد، بین خ دانشگاه و فخررازی، پلاک ۱۷۴ واحد ۳
- تلفن: ۰۶۶۴۶۶۳۶۰ - ۰۶۶۴۶۶۹۶۵ - ۰۹۱۲۳۰۲۵۲۰۵

فهرست مطالب

مقدمه مؤلف	۹
بخش یکم	۱۵
۱- ماوراءالنهر - آن طرف رود حیحون	۱۵
۲- مردان با کلاه خود	۲۰
۳- شاه آفرین (تاج بخش) سالی سارای	۲۷
۴- بانوی خداوندگار	۳۴
۵- تیمور دیپلمات	۴۱
۶- سرگردان	۵۰
۷- یک شتر و یک اسب	۵۸
۸- کنار پل سنگی	۶۴

۹- جنگ باران ۶۹

۱۰- دو امیر ۷۵

۱۱- روی پشت بام دنیا ۸۵

۱۲- زین‌الدین سخن می‌گوید ۹۲

۱۳- کار صوفیان ۱۰۰

بخش دوم ۱۰۷

۱۴- سمرقند ۱۰۷

۱۵- قزل اردو ۱۱۵

۱۶- در جاده‌های استپ ۱۲۴

۱۷- در سرزمین سایه‌ها ۱۳۴

۱۸- مسکو ۱۴۲

۱۹- ساقیان - هم پیاله‌ها ۱۵۲

۲۰- قلمرو وسیع ۱۶۴

۲۱- بر پشت زین..... ۱۷۳

۲۲- سلطان احمد بغدادی..... ۱۸۲

بخش سوم ۱۸۹

۲۳- محروسه‌ی سمرقند..... ۱۸۹

۲۴- خانم بزرگ و خانم کوچک..... ۲۰۱

۲۵- مسجد جامع تیمور..... ۲۰۹

۲۶- جنگ سه ساله..... ۲۱۴

۲۷- یوحنا‌ی اسقف به اروپا می‌رود..... ۲۲۲

۲۸- آخرین جنگ صلیبی..... ۲۲۸

۲۹- تیمور و ایلدرم به هم می‌رسند..... ۲۳۷

۳۰- پشت دروازه‌های اروپا..... ۲۴۸

۳۱- دنیای سفید..... ۲۵۸

سرانجام..... ۲۶۴

بخش چهارم ۲۷۳

۱- خردمندان در میدان جنگ ۲۷۳

۲- کمان در مشرق و مغرب ۲۷۵

۳- آتش اندازان ۲۷۹

۴- آنقره ۲۸۲

۵- دوک ویتولد و تاتار ۲۸۸

۶- دو خداوند جنگ ۲۹۱

۷- شاعران ۲۹۵

۸- مغول ۲۹۹

۹- تاتار ۳۰۲

۱۰- ترک ۳۰۵

۱۱- شیخ الجبل ۳۱۰

۱۲- شهر قشنگ و زیبای تبریز ۳۱۳

هارولد لمب ♦ ۷

۱۳- کلاویجو در تبریز..... ۳۱۶

۱۴- سراپرده امیر..... ۳۲۰

۱۵- گنبد بزرگ..... ۳۲۲

۱۶- از کله آدم منار می ساختند..... ۳۲۴

۱۷- اخلاق و صفات تیمور..... ۳۲۷

۱۸- تیمور و مذهب..... ۳۲۹

منابع..... ۳۳۳

مقدمه مؤلف

سعی و کوشش

پانصد و پنجاه سال پیش مردی کوشید که خود را فرمانروای جهان بسازد. هر اقدامی که کرد موفق شد، ما او را تیمور لنگ می‌خوانیم. در آغاز وی چندان مهم نبود فقط بر قطعه‌ای از اراضی و عده‌ای گله‌دار آن سرزمین مرد پرور پهلوان‌خیز یعنی آسیای مرکزی فرمانروایی داشت. تیمور مثل اسکندر مقدونی پسر پادشاه نبود و مانند چنگیز ریاست قبیله را از پدر ارث نمی‌برد. اسکندر و چنگیز هر دو هنگامی که به جهانگردی برخاستند از خود همراهانی داشتند مردم مقدونیه با اسکندر و مغول‌ها با چنگیز همراه بودند ولی تیمور لنگ عده‌ای را دور خود جمع کرد.

تیمور سپاهیان نیمی از جهان آن روز را یکی پس از دیگری شکست داد. او شهرها را در هم کوبید و مطابق میل خود از سر نو آباد ساخت کاروان‌های بازگانی دو قاره از وسط راه‌های او می‌گذشتند، تیمور ثروت چندین امپراتوری را گرد آورد و به میل خویش مصرف کرد. بر قله کوه‌های بلند در ظرف یک ماه کاخ‌ها و عشرتگاه‌ها بنا کرد. شاید بیش از هر بشر دیگر این مرد عجیب در مدت حیات خویش کوشید تا مجموعه و طرح‌های غم‌انگیز را به چنگ خود درآورد و آن را به شکل نیکوتر و دل‌چسب‌تر از سر نو قالب بریزد.

او آن روز و امروز به نام تیمور لنگ مشهور بوده و هست. در تواریخ عمومی ما نام وی تیمور لنگ است. گرچه اروپایی‌های پانصد سال پیش او را تاتاری می‌خواندند. آن‌ها به طور مبهم تیمور را فرمانروا و جهانگیر بی‌رحمی می‌شناختند که تا پشت دروازه اروپا رسیده بود و با چادرهای زربفت حرکت می‌کرد. از کله کشته‌ها منار می‌ساخت و شب‌ها در موقع حرکت روی تپه‌ها آتش افروزی می‌نمود تا راهنمای سپاهیان وی باشد.

اما آسیا این مرد را بهتر می‌شناخت و خوشبختی‌ها و بدبختی‌های وی را یکایک می‌دانست. دشمنان آسیایی وی شهرت داده بودند که او یک گرگ خاکستری رنگ بزرگ زمین خواری می‌باشد. اما دوستان و پیروانش می‌گفتند تیمور شیر ژیان و جهانگشای عالی مقدار است.

میلتون^۱ شاعر کور انگلیسی پس از شنیدن و مطالعه کردن افسانه‌های مربوط به تیمور ظاهراً رنگ‌های زننده درهم آمیخته‌ای به دست آورده که با آن رنگ‌ها شیطان بزرگ خویش را نقاشی و رنگین ساخته است.

تاریخ‌نویسان درباره وی سکوت کردند، اما شاعران از آن داستان‌ها ساختند. ولی در هر حال طبقه‌بندی شرح حال تیمور لنگ کار آسانی به نظر نمی‌رسد. تیمور عضو هیچ سلسله و خاندانی نبوده، اما خودش سلسله‌ای تأسیس کرده است. او مثل آتیلا که یکی از وحشیان بود شهر رم را به باد یغما نداد، ولی خودش در صحراهای بی‌آب و علف شهر، رم تازه‌ای بنا نمود. گرچه برای خود تاج و تختی فراهم آورد اما قسمت عمده عمر را پشت زین اسب گذراند. وقتی که او دست به کار ساختمان شد از نمونه معماری گذشتگان تقلید نکرد او طرح تازه‌ای مطابق نظر خویش ریخت یعنی از مشاهده صخره‌ها و قله‌کوه‌ها و گنبد‌های دمشق (پیش از آنکه آن شهر را آتش بزند) کلیاتی در نظر گرفته و از روی آن نمونه‌ها، بناهایی احداث کرد. همان طرح‌های عالی تیمور نقشه‌ای برای

۱. جان میلتون از شعرای انقلابی قرن هفدهم انگلستان مهمترین اثر او «جنات مفقوده» است. مترجم.

معماری روس‌ها و طرحی جهت ساختمان تاج محل گشت. اتفاقاً عمارت تاج محل هم به دست یکی از نوادگان وی برپا شد.

تاریخ اروپا در ایام تیمور به خوبی معین است. ما می‌دانیم که در آن ایام شهر ونیس^۱ توسط شورای ده نفری اداره می‌شده، ورینزی، موسولینی آن ایام گشت و آن جریان یک نسل پس از مرگ دانتته واقع گشت. پتراک در آن اوقات به تحریر اشتغال داشت و فرانسه جنگ‌های صد سال دوره خود را طی می‌کرد و در عین حال بور گوندی‌ها و اورلئانیست‌ها با جلادان پاریس زد و خورد داشتند و شارل ششم با حال نیمه دیوانه به طور بی‌طرفی این منظره‌ها را تماشا می‌کرد.

تاریخ آن روز اروپا چگونگی وقوع این حوادث را ذکر نموده است. اروپای آن روز جوان نو رسیده‌ای که آهسته آهسته از میان تاریکی‌های قرون وسطی در حال برخاستن بود. هنوز آتش رستاخیز (رنسانس) برافروخته و درخشنده نگشته بود. اروپا شیفته تجملات تمدن شرق بود و از آن نظر به شرق می‌نگریست. کتان و ادویه و ابریشم و ظروف چینی و فولاد شرق را می‌خواست آن روزها نقره و طلا و جواهرات از مشرق به اروپا می‌آمد و به واسطه همین کالاها شهر ونیس و جنوا، ثروتمند و مهم گشته بودند. و قرطبه و اشبیلیه اسپانی به دست اعراب آباد گشته بود و کاخ‌های غرناطه را آن‌ها برپا کرده بودند، قسطنطنیه هم وضعی نیمه شرقی داشت.

امروز در محلی که راه آهن ماوراء سبیریه اتصال می‌یابد تخته سنگی برپا داشته اند که بر یک طرف آن کلمه آسیا و بر طرف دیگر آن اروپا دیده می‌شود. در زمان تیمور این علامت می‌بایستی پنجاه درجه به طول غربی دورتر از محل فعلی قرار گیرد، به عبارت دیگر بایستی در اطراف ونیس باشد. اروپای مرکزی (خاص) باید قسمتی از استان‌های آن به شمار بیاید. استان‌هایی که بارون‌ها و سرف‌ها (بندگان) در آن زیست می‌کردند و شهرها از کلبه‌ها و دهات کوچک تشکیل یافته بود و

۱. ونیس در قرن چهارده میلادی مهم‌ترین جمهوری اروپا بوده و تا سال ۱۸۱۴ مستقل بود و آن موقع ضمیمه‌اتریش شد و اکنون جزء ایتالیا می‌باشد. مترجم.

چنان که مورخ می‌نویسد زندگانی عبارت از آه و ناله و شکوه و زاری بود. ما نمایشگاه اجتماعی آن روز اروپا را به خوبی می‌دانیم اما مردی را که برای فرمانروایی بر جهان، در آن موقع قیام کرد، به خوبی نمی‌شناسیم. اروپاییان آن روز جلال و عظمت تیمور را ماوراء قوای زمینی و نیروی وی را شیطانی می‌دانستند. همین که تیمور به آستانه‌ی ممالک آنان رسید پادشاهان اروپا نامه‌ها و سفراء نزد وی فرستاده او را تیمورلان بزرگ، خداوند تاتاری خواندند.

هنری چهارم انگلیس که در ماوراء مرز خود با سرداران پروس می‌جنگید، فاتح ناشناس را برای فتوحاتش تبریک گفت، شارل ششم پادشاه فرانسه او را چنین مدح کرد:

«فاتح بزرگ و شاهزاده معظم تیمور» و مردم هوشیار جنوا پرچم وی را بیرون قسطنطنیه برافراشتند و مانوئل امپراطور یونان از وی درخواست کمک کرد. لرد دون هنری که با الطاف خداوند پادشاه قسطاله بود یکی از سرداران نامی خود «روی دو گرنالیزس کلاویجو» را به نام سفیر خدمت تیمور روانه کرد و کلاویجو تا سمرقند دنبال فاتح بزرگ رفته و پس از بازگشت راجع به شخصیت تیمور چنین گزارش داد:

«تیمور لنگ خداوندگار سمرقند پس از تسخیر تمام ممالک مغول و هند سرزمین آفتاب را نیز مسخر ساخت. سرزمین آفتاب ممالکت عظیم و مهمی می‌باشد. تیمور سرزمین خوارزم را نیز مطیع و مسخر کرده است و ایران و مدّ را هم گشوده است؛ امپراتور تبریز و شهر سلطان را تصرف نموده است؛ اراضی ابریشم و زمین‌های دروازه را فتح کرده است؛ ارمنستان صغیر و ارزروم و کردستان را تحت تصرف درآورده است؛ فرمانروای هند را در جنگ مغلوب ساخته و قسمتی از ممالک وی را فتح کرده است شهر دمشق را ویران نموده و شهرهای حلب و بابل و بغداد را زیر پا گذارده است و پس از گشودن ممالک بسیار و مغلوب ساختن فرمانروایان بی‌شمار و احراز پیروزی‌های فراوان سروقت بایزید ترک رفته است (وی یکی از فرمانروایان نامی جهان می‌باشد) و او را در

۱. مدیا قسمتی از عراق عجم و همدان است. مترجم.

جنگ شکست داده به اسیری گرفته است.

کلاویجو که در دربار سمرقند حضور داشته و بسیاری از فرمانروایان جهان و سفرای مصر و چین را در خدمت تیمور دیده، از شخصیت تیمور آن طور گزارش داده است. او نیز که عنوان سفارت فرنگیان را داشته با گرمی و احترام پذیرفته شده زیرا به قول مشهور «کوچکترین ماهی هم در دریا محل و مقامی دارد.» تیمور در نمایشگاه سلاطین با عظمت اروپا مقامی نداشته فقط در صفحات تاریخ اروپا به طور اختصار آثاری از هول و هراس ایام سلطنت وی دیده می‌شود. اما برای مردم آسیا هنوز هم تیمور مرد بزرگی است. اکنون پس از پنج قرن بر ما مسلم گشته که تیمور آخرین فاتح بزرگ جهان به شمار می‌آید. ناپلئون و بیسمارک نسبت به تیمور در گوشه‌ای از زوایای تاریخ خزیده‌اند.

چه که اولی با ناکامی درگذشت و دومی فقط در یک کشور به فتوحات سیاسی نایل آمد.

در صورتی که تیمورلنگ امپراتوری بزرگی ایجاد نموده و در هر لشکرکشی موفق بود. او برای مغلوب ساختن آخرین فرمانروای مخالف خویش حرکت کرد و بین راه مرد. اگر نمی‌مرد به قدر کافی نیرو داشت که او را از پای درآورد. برای این که بدانیم آن مرد چه در سر داشت باید شرح زندگی او را بخوانیم. برای درک آن موضوع باید تواریخ اروپا را کنار بگذاریم و تمدن جدید را با اختلافات و نظریات ناشی از آن نادیده انگاریم و باید تیمورلنگ را از نظر اشخاصی مطالعه کنیم که دوش به دوش وی سوار و پیاده می‌شدند. ما نیز مانند کلاویجو باید پرده هول و هراس تیمور را بدریم و از میان ستون‌ها و منارهای مجسمه بگذریم و از قسطنطنیه و دریه عبور نماییم و به آسیا وارد شویم باید از شاهراه سرزمین آفتاب گذشته به جاده سمرقند روآوریم. در این موقع که ما عازم آن سفر شده‌ایم سال ۱۳۳۵ میلادی است. محل ما رودخانه‌ای می‌باشد.